

## تحلیلی بر ابعاد و گستره آموزش غیررسمی در تربیت شهروند دموکراتیک

طاهره جاویدی<sup>۱</sup>

مرضیه عالی<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه غالب متخصصان و مربیان تعلیم و تربیت قائل هستند آموزش غیررسمی نیز همچون آموزش و پرورش رسمی می‌تواند در تربیت شهروندان دموکراتیک نقش عمده‌ای ایفا نمایند، این مقاله روشن‌سازی نقش آموزش و پرورش غیررسمی در تربیت شهروند دموکراتیک را کانون توجه خویش قرار داده است. بر این اساس سوال اصلی ما در این مقاله عبارت است از اینکه، در آموزش و پرورش غیررسمی به‌منظور تربیت شهروند دموکراتیک باید از چه راهبردهایی استفاده نمود؟ از این‌رو به‌منظور پاسخگویی به سوال مذکور در این مقاله ضمن توضیح ملزومات اساسی شهروند دموکراتیک، یعنی دانش، مهارت و منش دموکراتیک، نقش آموزش غیررسمی در تربیت شهروند دموکراتیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد و آنگاه این مسئله که آموزش غیررسمی در تقویت کدام‌یک از ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک می‌تواند نقش کم‌رنگ‌تر و یا پررنگ‌تری ایفا نماید، بررسی می‌شود. در بخش پایانی این مقاله روش‌های الگوسازی اجتماعی (یادگیری مشاهده‌ای)، روش فضاسازی (ایجاد فضاهای مجازی برای تمرین شهروندی دموکراتیک) و روش بحث و گفتگوی انتقادی (بحث و گفتگوی انتقادی پیرامون ابعاد و اهمیت تربیت شهروند دموکراتیک) به‌عنوان نمونه‌هایی از روش‌های آموزش و پرورش غیررسمی در تربیت شهروند دموکراتیک مطرح شده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش و پرورش غیررسمی، تربیت دموکراتیک، دانش دموکراتیک، مهارت دموکراتیک و منش دموکراتیک

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

**مقدمه**

در جمهوری اسلامی ایران که به منظور احیاء حقوق عامه مردم به منصفه ظهور رسیده است، تحقق جامعه دموکراتیک، مورد توجه اکثر مسؤولان و سیاست مداران و اندیشه وران قرار گرفته و این امر در کانون اصلاحات سیاسی، اقتصادی و آموزشی واقع گردیده است. معهدا، تحقق چنین جامعه ای در گرو داشتن شهروندان دموکراتیک است، افرادی که با دانش، مهارت و منش دموکراتیک آشنا بوده و آمادگی حضور فعال در عرصه های مختلف تصمیم گیری و برنامه ریزی در باره اداره امور کشور را داشته باشند. ازاینرو، تربیت شهروند دموکراتیک می تواند به عنوان یکی از مهمترین اهداف نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر پرداختن به اموری چون مشارکت گرایی، توسعه نهادهای ارتباطی، پاسخگو بودن در برابر ملت، تأمین حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، رقابت سالم و مانند آن مستلزم آن است که نظام تعلیم و تربیت کشور، با عزمی بنیادین برای پرورش شهروندانی مناسب و مؤثر به منظور زندگی و ایفای نقش در چنین فضایی اقدام نماید و این میسر نیست، مگر آنکه مقوله تربیت شهروندی به گونه ای و به عنوان هدف اساسی در نظام آموزش و پرورش ایران دنبال گردد. (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸) به منظور تحقق چنین هدفی ضروری است از یکسو همه قلمرو آموزش و پرورش اعم از رسمی و غیر رسمی مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر تصور روشنی از مفهوم تربیت شهروند دموکراتیک حاصل شده و راهبردهای اساسی تربیت شهروند دموکراتیک شناسایی شوند. با نظر به موارد مطرح شده و با توجه به هدف مولفین، در این مقاله، ابتدا مفهوم شهروند دموکراتیک، ویژگیهای شهروند دموکراتیک اصول تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی، ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک و روشهای تربیت دموکراتیک تبیین گشته و سپس روشهای و مولفه های آموزش غیر رسمی در تربیت شهروند دموکراتیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

**مفهوم شهروندی**

واژه شهروندی از اوایل قرن هجدهم بطور وسیع مطرح شده و مباحثی پیرامون حقوق و مسئولیتهای شهروندی مورد مذاقه قرار گرفته است. اما همچنان مفهومی پر مناقشه بوده بطوریکه در برخی از کشورها شهروندی بر مبنای محل تولد فرد تعیین می گردد و در برخی دیگر تعیین شهروندی بر اساس تابعیت والدین مشخص می شود که در این صورت به آن حق تعیین تابعیت فرزندان می گویند. در سایر کشورها هر دو مورد را مبنای تعیین شهروندی قرار می دهند و بر مبنای آن حقوق و وظایفی را برای آن تعیین می نمایند، به عنوان مثال حق رای مختص شهروندان یک جامعه است. نکته مهم در این مفهوم آن است، با

وجودی که در یک اجتماع تنوع زیادی بین شهروندان وجود دارد و آنها از نظر نژاد، قومیت، زبان، مذهب و طبقه اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند همه آنها ورای تفاوتها، دارای یک هویت یکسان و آن شهروندی هستند (پاتریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ۱).

طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران شهروند ایرانی باید از حقوق برابر با سایر هم وطنان خود برخوردار باشد و به تدریج که رشد می کند از حقوق ویژه کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان، و سال خوردگان بهره مند شود. وقتی شهروندی در انواع فعالیت های فردی و اجتماعی شرکت می کند، این به معنای آزادی و قدرت انتخاب و تصمیم گیری و عمل در ذیل مسئولیتها و حقوق مساوی است. حقوق و مسئولیت های شهروندی متقابل است. برای مثال، اگر همه ما حق حرمت و کرامت داریم سایر افراد نیز از چنین حقوقی برخوردار هستند و ما نیز مسئول رعایت حقوق و حرمت و کرامت آنان هستیم (لطف آبادی، ۱۳۸۵، ۱۳).

وجه اساسی شهروندی از دیدگاه برخی اندیشمندان چون ارسطو توان اداره عمومی جامعه است، بطوریکه شهروند باید در حکمفرمایی و فرمانبرداری سهم باشد. برخی دیگر بیان نموده اند شهروند «فردی است که در یک رابطه ی متقابل با دولت قرار دارد، که از سویی دارای حقوق سیاسی و مدنی است، و از سوی دیگر، در برابر دولت وظایفی به عهده دارد.» (کیدنز، ۱۳۶۷، ۵۴)

بطور کلی از نظر تاریخی میتوان دو رویکرد در خصوص چگونگی تصور از وازه شهروند، مورد شناسایی قرار داد که منشاء بسیاری از اختلاف نظرهای موجود در باره مفهوم شهروند را در این دو رویکرد می توان جستجو نمود این دو رویکرد عبارتند از:

الف) رویکرد سنتی: در این رویکرد، عمدتاً تصور منفعلانه ای نسبت به شهروند وجود دارد. و تنها از طریق جریان جامعه پذیری، که به ویژه به وسیله نهادهای تربیتی و خانواده انجام می شود- افراد به وفاداری نسبت به کشور و دولت خود ترغیب می گردند. عمده ترین موضوعات مهم در این رویکرد، پرداختن به تاریخ و سنت های ملی است. همه این جریانات، شهروندان را آماده می کنند تا نقش منفعلانه خویش را در جامعه به انجام رسانند. البته ماهیت آموزش سنتی نیز در اشاعه چنین فرهنگی بی تاثیر نیست. یعنی اینکه نظام آموزش سنتی نیز مشارکت سیاسی و فعالانه در جامعه را مدنظر قرار نداده بدین ترتیب بطور غیر مستقیم از انواع بی عدالتی های اجتماعی حمایت می کند. مدارس سنتی بر اساس اصول دموکراتیک،

<sup>1</sup> \_ Patrick, John J

مدیریت نمی شوند و در حقیقت محیطی را ایجاد می نمایند که در آن دانش آموزان رفتارهایی را که بر خلاف مشارکت دموکراتیک است یاد می گیرند (دی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

ب) رویکرد فعال: در این رویکرد، بر خلاف رویکرد اول برای شهروند نقش فعالانه ای در نظر گرفته می شود. از اینرو همواره فرصت های زیادی وجود دارد که در آن شهروندان می توانند در صدد بررسی موضوعات مهم روز و اشاعه فرهنگ مشارکت جویی در اصلاح جامعه در سطح محلی، ملی و حتی جهانی برآیند (سرز و هبرت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). همچنین، در این رویکرد هر کسی حق دارد عقایدش را آزادانه بیان کند و دیدگاه های خود را در قالب چارچوب هایی ارائه و پیگیری نماید (لوسیتو و آپیس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). چنین جوامعی به اهمیت مشارکت مدنی واقف بوده و می دانند که آگاهی و مشارکت مردم، فواید بسیاری را برای آنها به دنبال دارد. بدین دلیل آنها تلاش می کنند تا با استقرار نظام های دموکراتیک، مشارکت شهروندی افراد جامعه خود را (به ویژه جوانان) توسعه بخشند.

همچنانکه ملاحظه می شود، بر اساس رویکرد دوم، برخورداری شهروندان از بسیاری از فعالیتها از قبیل تفکر انتقادی می تواند ضرورتی مهم در مشارکت فعالانه و موثر آنان در جامعه دموکراتیک محسوب شود. بر اساس رویکرد دوم، تربیت شهروندی دموکراتیک به عنوان موضوعی مهم، مورد توجه می باشد. از اینرو، در راستای تربیت شهروندی استراتژی آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که این نوع قابلیتها در بین افراد جامعه اشاعه یابد.

بنابراین تربیت شهروند دموکراتیک در زمان حاضر، نخست باید ملزومات مشارکت شهروندان را شناسایی نموده و آنها را آموزش دهد. آنگاه، جامعه باید این مجال را به طور گسترده ای برای شهروندان فراهم نماید تا آنها بتوانند در مسائل اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی و غیره مشارکت فعالانه داشته باشند. بطور کلی، مطالعه تاریخ، شناخت اهمیت ادبیات اصیل، کاربرد و نقد هنرها، پژوهشهای فلسفی، و ... مقتضیات فکری مردمی هستند که می خواهند خردمندانه بر خود حکومت کنند (کوهن، ۱۳۷۳ و سی وی تاس، ۲۰۰۱ به نقل از جاویدی ۱۳۸۵)

<sup>1</sup> \_ Dee.Thomas S

<sup>2</sup> \_ Sears Alan and Yvonne Hebert

<sup>3</sup> \_ Losito,Bruno and Annamaria D Apice

### ویژگیهای شهروند دموکراتیک

با توجه به آنچه که در تبیین مفهوم شهروند دموکراتیک و اهمیت نقش آموزش در تربیت آن مطرح شد، شناخت دقیق خصوصیات شهروند دموکراتیک می تواند یکی از مهم ترین ارکان تربیت شهروند دموکراتیک محسوب شود که اهم این ویژگیها عبارتند از:

**الف) آگاه بودن:** دانایی به عنوان مهم ترین ویژگی شهروند دموکراتیک، مشارکت فعالانه و مسئولانه به شمار می رود. دانایی عبارت از داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی در سطح محلی، ملی، بین المللی است، که به عنوان پیش نیازی اساسی برای شهروندی دموکراتیک به شمار می رود. اصولاً تصمیم گیری های مهم جامعه اغلب نیاز به شهروندانی دارد که قادر به درک اطلاعات وسیع سطح جامعه، گزارشات و بررسی ها باشد.

**ب) رعایت فعالانه قوانین:** شهروند دموکراتیک باید بتواند قوانین را حتی اگر مغایر بانفع شخصی او باشد، در زندگی به کار گیرد. قانون عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می سازد. از اینرو، قانون-مداری به معنای گردن نهادن به روال ها و منفعل بودن نیست. قانون مداری فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان زندگی اجتماعی و سپس تلاش منطقی برای اصلاح هر گونه قانونی است که امکان استفاده بیشتر را از امکانات و استعدادها فراهم ساخته و زمینه پیشرفت و ترقی را میسر سازد.

**ج) مسئولیت پذیری و تعهد:** مسئولیت پذیری یکی دیگر از ویژگیهای شهروند دموکراتیک می باشد. برخی از نموده های مسئولیت پذیری عبارتند از: همکاری در فعالیتهای عمومی، توجه به آثار کارها و رفتارهای خود بر امنیت و رفاه دیگران، علاقه و توجه به نسلهای آینده، و حساسیت نسبت به تصمیمات سیاسی و اجتماعی (شورای همکاریهای فرهنگی اروپا، ۲۰۰۰، ۴۵).

**د) مشارکت فعال:** شهروند دموکراتیک علاوه بر اینکه در جامعه های گوناگون محلی و ملی و جهانی فعالانه شرکت می نماید این مشارکت مسئولانه نیازمند استفاده درست و منصفانه و مراقبت کننده از منابع عمومی مادی و اجتماعی نیز هست. بانک جهانی، مشارکت را فرآیندی می داند که در آن ذینفعان در ایجاد و توسعه نوآوری ها و تصمیم گیری ها و منابعی که بر این نوآوری ها و تصمیم گیری ها موثرند نفوذ و کنترل دارند. بر این اساس مشارکت مردم و شهروندان فعل و انفعالی است که برای شهروندان این

<sup>1</sup> \_ COUNCIL FOR CULTURAL CO-OPERATION (CDCC)

امکان را فراهم می کند، در قاعده سازی و فرمول بندی سیاست و خط مشی هایی که بر کل جامعه موثر است، شرکت جویند (مک ایوان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

۵) **انتقاد گری و انتقاد پذیری:** یکی از ویژگیهای بسیار مهم شهروند دموکراتیک، برخورداری از روحیه انتقاد گری و انتقاد پذیری است. تفکر انتقادی فرآیندی است که به افراد کمک می کند که تا شیوه بررسی دقیق آنچه را که به آن معتقدند دریابند و با دلایل عقلانی موضوعات مختلف را مورد بررسی انتقادی قرار دهند. جوامع دموکراتیک به افرادی نیازمند است که صاحب تفکرات منتقدانه باشند. چرا که، متفکران منتقد پیشگامان تغییر در جامعه هستند. یعنی آنها آینده خود و جامعه شان را هیچ وقت تمام شده تلقی نمیکنند (سامرز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

### اصول تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی:

از آنجاییکه تربیت شهروند دموکراتیک امری اقلیمی است و باید با نظر به شرایط بومی و بر اساس مبانی آرمانی و اعتقادی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی صورت گیرد، لازم است روشهای تربیت شهروند دموکراتیک بر اصول تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی مبتنی شود. بر این اساس در این قسمت برخی از مهم ترین اصول تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی ارائه می گردد (جاویدی، ۱۳۸۵).

۱- **اصل ایجاد زمینه های لازم به منظور پرورش قوه خرد ورزی و عقلانیت دانش آموزان:** طبق این اصل دست اندرکاران تعلیم و تربیت موظف هستند که زمینه های لازم جهت پرورش اندیشه ورزی در دانش آموزان را فراهم آورند.

۲- **اصل اعطای آزادی توأم با مسئولیت:** منظور این اصل اینست که، در نظام آموزش و پرورش اعطای آزادی به دانش آموزان باید همراه با خواستن مسئولیتی از آنان باشد.

۳- **اصل ایجاد عدالت و توزیع منصفانه فرصتها و امکانات آموزشی بین دانش آموزان:** براساس این اصل، سیستم آموزشی باید برخوردی عادلانه با همه دانش آموزان و در همه زمینه ها داشته باشد. همچنین بر مبنای این اصل باید هر گونه فرصت و امکان آموزشی را به گونه منصفانه بین فراگیران توزیع نمود.

1 \_ Mc evan, Cheryl

2 \_ Summers, Jacqueline Y

۴- اصل تقویت میزان (گستره) و کیفیت (ژرفای) مشارکت دانش آموزان: منظور از این اصل این است که در فرآیندهای آموزشی باید تا حد ممکن، زمینه های لازم برای مشارکت آگاهانه، خردمندانه و مسئولانه اکثریت دانش آموزان فراهم آمد.

۵- اصل توجه به جنبه های انسانی و ارتقای آن: بر اساس این اصل سیستم آموزشی باید زمینه های لازم برای خود شکوفایی فردی، توجه به تفاوت های فردی، توجه به خواستها، نیازها و علایق فردی، ایمان به توانمندیهای شخصی (خودباوری)، علاقه به خودسازیهای فردی و کسب فضایل اخلاقی در دانش آموزان را فراهم نماید.

۶- اصل تحقق فعالیت های آموزشی در قالب فعالیت های گروهی: این اصل بدین معناست که تا جایی که امکان دارد، فعالیتهای آموزشی مدارس به صورت فعالیتهای گروهی انجام گیرد.

۷- اصل ایجاد دوستی و همبستگی بین دانش آموزان: بر اساس این اصل، سیستم آموزش و پرورش باید زمینه های لازم جهت ایجاد الفت و وحدت بین دانش آموزان را فراهم آورد.

### ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک:

با توجه به اصول تربیت دموکراتیک در نظام جمهوری اسلامی، تربیت شهروند دموکراتیک معطوف به اهداف و فعالیتهایی است که کودکان و بزرگسالان را مجهز به ویژگیهایی نمایند که به موجب آن بتوانند در یک جامعه دموکراتیک مشارکت فعالانه داشته باشند. ابعاد مهم چنین تربیتی عبارتند از:

#### ۱- دانش دموکراتیک:

دانش دموکراتیک به مجموعه دانستیهای لازم جهت شهروندی اطلاق می شود. به صورت اختصار لازم به ذکر است که منظور از دانش دموکراتیک دانشی است که در پاسخ به پنج سوال ذیل ارائه می شود:

طریقه زمامداری، خط مشی های سیاسی و زندگی دموکراتیک چه چیزهایی هستند؟

مبانی سیاسی چه چیزهایی هستند؟

چگونه زمامداری از طریق قانونی که در اهداف، ارزشها و اصول دموکراسی گنجانده شده، شکل می گیرد؟

نحوه ارتباط بین کشورمان و دیگر ملتها در خصوص امور جهان چگونه است؟

وظایف شهروندان در یک جامعه دموکراتیک چیست؟

این سئوالات می تواند جهت سازمان دادن به بعد های دانش دموکراتیک و مجالی را جهت درگیر شدن افراد متفکر در حوزه چالش های اجتماعی و سیاسی فراهم می آورد (برانسن، ۱۹۹۸)

## ۲- مهارت دموکراتیک:

دومین عنصر اساسی تربیت شهروند دموکراتیک، اکتساب مهارت های مدنی می باشد. هر شهروندی جهت بدست آوردن حقوق خویش و انجام دادن مسئولیت های نه تنها بایستی مجموعه ای مدون مبتنی بر سئوالات فوق را فراگیرد، بلکه همچنین لازم است مهارت های مربوط به عقلانیت و مشارکت را نیز بدست آورد (ودهیس، ۱۹۹۸). تربیت دموکراتیک جهت فراهم ساختن زمینه مناسب برای چنین مهارت هایی باید بر مهارت هایی که شراکت مسئولانه، موثر و آگاهانه را در فرایند سیاسی بدنبال دارد متمرکز شود. این مهارت ها می توانند در سه بخش زیر مقوله بندی شوند.

- تعامل<sup>۱</sup>: به مهارت هایی که مستلزم ارتباط برقرار کردن و همکاری با دیگران است اطلاق می شود. بدین معنا که هر شخص نسبت به ارتباط داشتن با همقطاران خویش راغب باشد. همچنین تعامل یعنی پرسیدن سوال، پاسخ دادن و مورد مذاقه قرار دادن مودبانه و ایجاد ائتلاف ها و حل تعارضات به روش صلح آمیز و عادلانه.
- زیر نظر قرار دادن<sup>۲</sup>: مهارت هایی است که مستلزم هدایت مستمر بحث ها در فرایند سیاسی و حکومتی است. همچنین این مهارت شامل جهت دهی عملکردهای سطحی است که تعدادی از شهروندان انجام می دهند.
- اثر گذاردن<sup>۳</sup>: مهارتی مشارکتی است که به ظرفیت اثر گذاری در فرایند های سیاسی و حکومتی و هم قابلیت اثر گذاری در فرایند های رسمی و غیر رسمی حکومتی مربوط می شود. دانستن این مطلب ضرورت دارد که رشد مهارتی مشارکتی در اولین پایه های نظام مدرسه ای شروع می شود و در سراسر آن ادامه می یابد.

## ۳- منش دموکراتیک:

<sup>1</sup> -Interacting  
<sup>2</sup> -Monitoring  
<sup>3</sup> -Influencing



- این بعد که پس از دو بعد دیگر در تربیت شهروند دموکراتیک مطرح می گردد و در واقع آرمان تربیت شهروند دموکراتیک است به عادات و منشهای پایدار در فرد توجه داشته بطوریکه فرد گرایشها و تمایلات و منش دموکراتیک داشته باشد. بطور خلاصه خلیات مدنی را می توان در موارد ذیل مقوله بندی کرد:
- تبدیل شدن به عضوی مستقل برای جامعه: این منش شامل وفاداری و ترجیح معیارهای درونی جهت رفتار و پرهیز از پذیرش تحمیل معیارهای خارجی، پذیرش مسئولیت جهت پیامدهای رفتارهای شخص و به انجام رساندن وظایف قانونی و اخلاقی بعنوان عضوی از جامعه دموکراسی می شود.
  - تقبل مسئولیت های اقتصادی، سیاسی و شخصی: این مسئولیتها شامل مراقبت از خود، حمایت از خانواده، تامین تغذیه و حمل و نقل و تربیت کودکان، آگاهی درباره مباحث عمومی رای گیری، پرداخت مالیات و غیره
  - احترام به شان انسانی و ارزش فردی: که شامل گوش کردن به حرفهای دیگران، در نظر گرفتن علایق زیر دستان وفاداری به اصل قاعده اکثریت بدون غفلت از حقوق اقلیت می شود.
  - مشارکت در امور شهری به گونه موثر و فکورانه: این خلق و خوی مستلزم آگاهی قبلی به منظور رای دادن یا مشارکت در مناظره یا گفتمان عمومی و هدایت نمودن فکورانه بحث ها در مواقع مقتضی ارزیابی نوع تعهدات فردی که بعنوان یک شهروند مورد نیاز است تحت الشعاع قرار دادن خواسته های شخصی و علایق فرد در جهت احترام به خیر عامه می باشد.
  - توسعه دادن عملکرد صحیح دموکراسی قانونی: که شامل آگاهی از امور عمومی و توجه به آن، احترام به اصول و ارزشهای قانونی، زیر نظر قرار دادن پایبندی رهبران سیاسی و نمایندگان مردم نسبت به این ارزشها و اصول و اتخاذ عملکرد متناسب با موقعیتهایی که ممکن است التزام عملی آنان تقلیل یابد و تغییر و اصلاح قانونهایی که غیر قانونهایی که غیر عقلانی یا ناعادلانه یا نادرست هستند می باشد.
  - نکته ای که در ارتباط با این ابعاد مطرح است این است که این سه بعد به صورت سلسله مراتبی بوده و بدون توجه به یک از آنها دیگر ابعاد حاصل نخواهد شد. بنابراین آموزش و پرورش برای رسیدن به هدف تربیت شهروند دموکراتیک باید هر سه این موارد را از طریق آموزش و پرورش رسمی و هم از طریق آموزش و پرورش غیر رسمی مورد توجه قرار دهد.
- جیمز آرتور با توجه به مقولات اساسی فوق این ابعاد را بصورت مشروح چنین بیان می دارد:

دانش دموکراتیک	مهارت دموکراتیک	منش دموکراتیک
<ul style="list-style-type: none"> <li>- شناخت مسائل و موضوعات پیرامون</li> <li>- شناسایی روشهای عمل و فعالیت</li> <li>دموکراتیک در جوامع</li> <li>- شناخت مسئولیتهای اخلاقی و قانونی افراد و جوامع</li> <li>- شناخت ماهیت مشارکت داوطلبانه</li> <li>- شناخت ارکان سیاسی جامعه و حقوق و وظایف آنها</li> <li>- شناخت حقوق و مسئولیتهای شهروندی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توانایی ارائه مباحث مدلل هم در بیان و هم در نوشتار</li> <li>- توانایی همکاری و کار اثر بخش با دیگران</li> <li>- توانایی توجه و ارزش قائل شدن برای تجربیات و چشم اندازهای دیگران.</li> <li>- توانایی تحمل نقطه نظرات دیگران</li> <li>- توانایی حل مساله</li> <li>- توانایی استفاده از رسانه های و تکنولوژیهای اطلاعاتی</li> <li>- داشتن نگرش انتقادی و جستجو در دیدگاههای جدید</li> <li>- توانایی پاسخگویی به اجتماع و تاثیر بر آن و مسئولیت نسبت به چالشهای سیاسی و اجتماعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتقاد به برابری انسانی</li> <li>- علاقه به حل تعارض</li> <li>- گرایش به کار با دیگران</li> <li>- احترام به فعالیتهای مسئولانه</li> <li>- تحمل تمرین</li> <li>- قضاوت و فعالیت بر یک مبنای اخلاقی</li> <li>- تشویق به دفاع از یک نکته نظر خاص</li> <li>- علاقه به بحث آزاد و باز نمودن عقاید شخصی</li> <li>- احترام به قانون</li> <li>- تعهد به برابری فرصتی</li> <li>- تعهد به ارائه خدمت داوطلبانه</li> <li>- علاقه به رعایت حقوق انسانی</li> <li>- علاقه به حفظ محیط زیست</li> </ul>

ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک (آرتور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ۱۸).

### روشهای تربیت شهروندی دموکراتیک:

اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت برای تربیت شهروند دموکراتیک روشهایی را بیان نموده اند که ما در اینجا ضمن توضیح کوتاه هریک از این روشها، چگونگی تناسب این روشها را با هر یک از ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک مورد بررسی قرار خواهیم داد:

<sup>۱</sup> \_ Arture Jemes

۱- تربیت شهروندی از طریق آموزش مستقیم: برخی اندیشمندان چون لیکنا<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) کیلیپاتریک<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) و مولنار<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) این روش را که ابتدایی ترین روش آموزش ارزشهاست، به عنوان موثر ترین روش آموزش اخلاقیات و تربیت شهروندی دانسته اند. قابل ذکر است اگر چه آموزش ارزشها از طریق آموزشهای مستقیم اثر بخش است اما این اثر بخشی صرفا در حد دانش و فهم است و در سایر سطوح تربیت شهروندی که برای اجرای مسئولیتها و احترام برای حقوق دیگران دارای اهمیت است، کارایی چندانی ندارد (فارر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

۲- تربیت شهروندی از طریق مشاهده: در این روش که تیرو<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) و آپلبوم<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) آن را به عنوان موثر ترین روش تربیت شهروند در نظر گرفته اند، کودکان از طریق مشاهده رفتار والدین و بزرگسالان اعم از معلم و دوستان رفتارهای ارزشی را می آموزند. این روش که مبتنی بر روشهای الگو گیری است اگر مورد توجه و بررسی قرار نگیرد می تواند صدمات جبرای ناپذیری را به آموزش ارزشها وارد نماید. این بدین معناست که اگر افرادی که برای کودکان از نظر الگویی، دارای جایگاه ویژه ای هستند مانند معلمان، والدین، هنرپیشه های سینمایی و سایر افراد با نفوذ اجتماعی نتوانند نقشهای شهروند دموکراتیک را به خوبی رعایت نمایند و یا با عدم رعایت آنها پیامدهای مثبتی را کسب نمایند هرگز نمی توان این نقشها را بخوبی مورد آموزش قرار داد (کلایر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴، ۹۳).

۳- تربیت شهروندی از طریق مشارکت و عمل هدایت شده: این روش که امروزه مورد توجه اکثر اندیشمندان در زمینه تربیتهای اخلاقی و تربیت شهروندی است به نحوه یادگیری اطلاق می گردد که در یک محیط اجتماعی واقعی یا فرضی از طریق درگیر کردن دانش آموزان در مسئولیتها و حقوق فردی به تربیت شهروندی مبادرت می ورزد. به عبارتی دیگر تربیت شهروند دموکراتیک از طریق مشارکت متوجه ارتباط متقابل و تعامل بین افراد مختلف جامعه در رفع مسائل اجتماعی است. درگیری در حل مساله و فعالیت در راستای حل آن به عنوان عضوی از اجتماع، از مهم ترین نکات این نوع یادگیری است (هالستید و پیک، ۲۰۰۶، ۱۴۰-۱۴۵).

<sup>1</sup> \_Lickona

<sup>2</sup> \_Kilpatrick

<sup>3</sup> \_Monar

<sup>4</sup> \_Farrer, F

<sup>5</sup> \_Tierno

<sup>6</sup> \_Applebaum

<sup>7</sup> \_Clair, H

۴- تربیت شهروندی از طریق تامل : امروزه اغلب محققان و پژوهشگران حوزه تربیت شهروندی بر این نکته تاکید می نمایند که یادگیری اگر با تامل همراه گردد می تواند بیشترین اثر بخشی را در تربیت شهروند دموکراتیک دارا باشد (همان، ۱۵۰). به معنایی دقیق تر با ایجاد بحث و گفتگوی تاملی و انتقادی در باره حقوق و مسئولیتهای شهروندی می توان این ارزشها را در آنها درونی نمود. این گروه از آموزشها یعنی آموزشهای توأم با تامل می تواند هم در محیطهای کلاسی و هم در محیطهای غیر رسمی از طریق تشویق و بها دادن به بحث و گفتگو در باره آنها و بدون تهدیدهای بیرونی صورت گیرد.

### روشهای آموزش غیر رسمی در تربیت شهروندی:

آموزشهای غیر رسمی بیشتر ناظر بر راهبردهایی هستند که به شیوه غیر مستقیم انجام می شود تا زمینه رشد و شکوفایی خلیقات را در افراد فراهم آورد. این راهبردها می تواند از طریق مولفه های نظام آموزشی از قبیل محتوی برنامه درسی، روشهای تدریس، جو حاکم در کلاس، نظام ارزشیابی و برنامه های فوق العاده انجام شود. به عنوان مثال اگر روشهای تدریس به گونه ای انتخاب شوند که حداکثر فرصت و آزادی را جهت مشارکت و مباحثه بدنبال داشته باشد، آنگاه می توان رشد و توسعه منش دموکراتیک را در افراد انتظار داشت. این در حالی است که، برنامه های درسی رسمی مدارس در زمینه آموزش شهروندی دموکراتیک، تنها دانش و اطلاعات افراد را در پاره ای موارد افزایش می دهند ولی بر نگرشها و رفتار افراد کمتر مؤثر هستند، از اینرو همانگونه که قبلا بیان شد از طریق فعالیتهای متنوع فوق برنامه و یا فعالیتهای آموزشی غیر رسمی، می توان نگرش و رفتار دانش آموزان را در جهت اهداف دموکراتیک هدایت نمود، و طرحها و اقدامات متعددی را در این زمینه به مرحله اجرا درآورد. این فعالیتها می تواند طیف وسیعی از امور نظیر گردش، بازدید علمی، اجرای نمایشنامه، شعر، موسیقی، ورزش و غیره در بر گیرد و از آنجا که آموزشهای غیر رسمی مبنای هرگونه آموزش و یادگیری را بر فعالیتهای خود جوش و طبیعی یادگیرندگان قرار می دهد و محیط غیر رسمی، دوستانه و مبتنی بر فعالیتهای مستقل افراد است، آنها در این نوع آموزشها برای مشارکت در یادگیری از انگیزه و علاقه بیشتری برخوردار هستند. از اینرو این قبیل آموزشها زمینه مساعدتری را برای تربیت شهروندان ایجاد می کند. همچنین، از آنجایی که تربیت شهروندی دارای هدفهای مثل ایجاد استقلال، رعایت حقوق دیگران، مسئولیت پذیری، مشارکت و مانند آن می باشد، بااهداف فعالیتهای فوق برنامه یا آموزشهای غیر رسمی، که عمدتاً مبتنی بر ایجاد یادگیری در افراد از طریق فعالیتهای و اقدامات اجتماعی است، تناسب بسیار زیادی دارد و در صورتی که در انتخاب این

فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی، مجموعه‌ای از ملاک‌های زیر رعایت شود، می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف تربیت شهروندی داشته باشد.

- فعالیتهایی انتخاب شوند که بنحوی با مسائل و حوادث جاری مربوط باشند
- فعالیتهای بیشتر مبتنی بر ایجاد استقلال و خوداتکایی فردی باشد
- فعالیتهایی که در آن دانش‌آموزان با نیازها و مسئولیتهای خود در سطح ملی و فراملی آشنا شوند
- فعالیتهایی که در آن دانش‌آموزان مطالبی را در باره سنت‌ها و ارزشهای کشور و جامعه محلی خود بیاموزند
- فعالیتهایی که مستلزم تماس و همکاری با مقامات دولتی و کشوری در سطح ملی و محلی باشد.
- فعالیتهای بنحوی باشد که در آنها دانش‌آموزان مطالبی را درباره تاریخ و حکومت کشور خود بیاموزند

- فعالیتهایی که در آن مطالبی را در باره رعایت قواعد و مقررات رفتاری و استفاده از فرایندهای قانونی و ساختاری باشد به دانش‌آموزان آموزش دهند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱، ۶)

- بطور کلی، با توجه به معیارهای فوق و با توجه به ابعاد تربیت شهروند دموکراتیک (دانش، مهارت و منش) و تعامل این ابعاد با یکدیگر آنچه مسلم می‌نماید آن است که تربیت شهروند دموکراتیک از راه آموزشهای مستقیم و آشنایی صرف با حقوق و مسئولیتهای شهروندی و شیوه‌های کسب و رعایت آنها میسر نمی‌گردد در واقع کسب مهارتهای انتقاد، تسامح، ارزش قائل شدن برای دیگران باید در محیطهایی ایمن و بدون از آسیب مورد تمرین قرار گرفته تا در منش فرد تغییر ایجاد نماید، به عنوان مثال ایجاد یک مباحثه انتقادی در ارتباط با حفظ محیط زیست می‌تواند نه تنها مشارکت دانش‌آموزان در حفاظت از محیط زیست را برانگیزد بلکه در آنها میل به رعایت بهداشت محیط را درونی سازد که البته ایجاد چنین جلساتی نیازمند داشتن آگاهیهای قبلی در آن زمینه خاص است که این بخش از آگاهیها و اطلاعات پایه باید از طریق برنامه درسی رسمی به شاگردان ارائه گردد که باید مکمل آموزشهای غیر رسمی باشد؛ بنابراین با توجه به مسائل فوق روشهای زیر به عنوان بهترین روشهای تربیت شهروند دموکراتیک از طریق آموزش غیر رسمی پیشنهاد می‌گردد:

۱- روش الگو سازی اجتماعی: روش الگو سازی که برگرفته از نظریه یادگیری اجتماعی است بطور تلویحی و ضمنی به آموزش ارزشها و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آنها و داشتن منش دموکراتیک می‌پردازد. در این روش سعی بر آن است که در قالب شخصیت‌های داستانی و نمایشی الگوی مطلوبی از یک

شهروند دموکراتیک ارائه گردد و یا از طریق پاداش دهی به رفتارهای مطلوب یک شهروند دموکراتیک، موجبات ایجاد نگرش مثبت نسبت به آن را فراهم آورد (اوسلر و استراکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ۱۵۳).

۲- روش فضا سازی: ایجاد فضاهای مجازی یکی از روشهای متداول در تربیت ارزشهاست. از آنجایی که در تربیت شهروند دموکراتیک، ارتباط مستقیم با جریانان اجتماعی و تمرین ابعاد دموکراتیک در محیطهای واقعی، می تواند پیامدها و نتایج نامطلوبی به بار آورد، ایجاد فضاهای مجازی و تصنعی از اهمیت بالایی برخوردار است. این روش که منبعث از دیدگاههای جان دیویی است، بر ایجاد فضای اجتماعی در مدرسه و تعریف نقشهای اجتماعی برای دانش آموزان، داشتن قوانین و مقررات مشخص و حقوق و مسئولیتهای محدود و تعریف شده مبتنی می باشد. این روش شرایطی را فراهم می نماید که دانش آموزان بطور غیر مستقیم و غیر رسمی با حقوق و مسئولیتهای شهروندی خود آشنا گردیده و در صدد دفاع از آنها و احترام برای حقوق دیگران بر می آیند (تیلور و جانسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

۳- روش مباحثه انتقادی: در این روش ایجاد جلسات بحث و گفتگوی انتقادی پیرامون مسائل اجتماعی و آشنایی با شرایط خاص سیاسی و اجتماعی پیش بینی می گردد. این روش دارای مزایای فراوانی در تربیت شهروند دموکراتیک می باشد زیرا نه تنها به افزایش اطلاعات دانش آموزان پیرامون مسائل اجتماعی کمک می نماید، بلکه همچنین، به رشد علائق و رشد تفکر انتقادی در دانش آموزان نیز کمک می نماید. به عنوان مثال در این روش، ابتدا موضوعی برای بحث و بررسی مطرح گردیده و سپس دانش آموزان به بحث انتقادی پیرامون آن مبادرت می ورزند (هالستید و پیک<sup>۳</sup>، ۱۴۸، ۲۰۰۶).

### نتیجه گیری:

برقراری مردم سالاری دینی در ایران اسلامی، اقتضا می کند برنامه های روشنی برای تربیت شهروندان دموکراتیک در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر در صورت وجود شهروندان دموکراتیک می توان زمینه مردم سالاری دینی را در کشور ایجاد نمود. از اینرو، تربیت شهروند دموکراتیک یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم تربیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. در هر جامعه ای، نهادهای مختلف مثل خانواده، سازمان صدا و سیما، موسسات دولتی و تشکلهای مردمی و غیره می توانند بخشی از رسالت

<sup>۱</sup> \_ Osler A. and Starkey, H

<sup>۲</sup> \_ Taylor, M. J and Johnson

<sup>۳</sup> \_ J. Mark Halstead and Mark A Pike

تربیت شهروند دموکراتیک را بر عهده گیرند. چرا که، باید در نظر داشت که، اولاً تربیت شهروند دموکراتیک صرفاً در یک دوره آموزشی خاص و یک برنامه درسی جای نمی گیرد بلکه نیازمند یادگیری مادام العمر است. ثانیاً، تربیت شهروند دموکراتیک می تواند در خلال فعالیتهای اجتماعی و تجارب متنوع ایجاد گردد. با این وجود آموزش و پرورش اعم از رسمی و غیر رسمی در این زمینه مسئولیت بیشتری را بر عهده دارد. با نظر به این موارد، بررسی و تحلیل ابعاد نقش آموزش و پرورش غیر رسمی کانون توجه این مقاله قرار گرفته است.

همانطور که در متن مقاله بیان شده، تربیت شهروند دموکراتیک باید همه ابعاد شهروند دموکراتیک یعنی، دانش، مهارت و منش دموکراتیک را در نظر گیرد. این در حالی است که در روشهای آموزش رسمی تنها بعد دانش مورد توجه و پرورش می باشد و عملاً دو بعد مهارت و منش مغفول می ماند. عدم توجه به این دو بعد اساسی، بعد اول را نیز عقیم و ناکارآمد می سازد. همتاگونه که اشاره شد، از آنجایی که آموزشهای غیر رسمی مبنای هرگونه آموزش و یادگیری را بر فعالیت های خود جوش و طبیعی یادگیرندگان قرار می دهند و به این دلیل دانش آموزان از انگیزه و علاقه بیشتری برای مشارکت در آن برخوردار هستند، می تواند ابزار بسیار مطلوبی در پرورش همه ابعاد شهروند دموکراتیک محسوب شود. بطور کلی، روشهایی را که اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت برای تربیت شهروندی بیان نموده اند عبارتند از: آموزش مستقیم، مشاهده که مبتنی بر روشهای الگو گیری است، مشارکت و عمل هدایت شده که در یک محیط اجتماعی واقعی یا فرضی از طریق درگیر کردن دانش آموزان در مسئولیتها و حقوق فردی به تربیت شهروندی دموکراتیک مبادرت می ورزد، و نهایتاً تربیت شهروندی از طریق تامل است که در این مقاله روش الگو سازی اجتماعی و روش فضا سازی، روش مباحثه انتقادی به عنوان بهترین روشهای غیر رسمی تربیت شهروند دموکراتیک در نظر گرفته شده است که علاوه بر افزایش اطلاعات و دانش دانش آموزان می تواند مهارت و منش دموکراتیک را در آنها ایجاد نماید به معنایی دقیق تر با ایجاد بحث و گفتگوی انتقادی در باره حقوق و مسئولیتهای شهروندی و ارائه الگوهای مناسب از طریق رادیو، تلویزیون و رفتار والدین و معلمان می توان این ارزشها را در دانش آموزان درونی نمود.

**فهرست منابع:**

- جاویدی کلاته جعفر ابادی، طاهره(۱۳۸۵) اصول تربیت شهروند دموکراتیک در جمهوری اسلامی، مجموعه مقالات آموزش و پرورش کشورهای اسلامی با تاکید بر نقش توسعه ای، دانشگاه اصفهان.
- جاویدی کلاته جعفر ابادی، طاهره(۱۳۸۵) کندو و کاوی در ابعاد و گستره مفهوم دموکراسی، مجله جامعه شناسی ایران، ۱۴۷-۱۷۰.
- فتحی واجارگاه. کوروش ( ۱۳۸۱ ). برنامه های درسی تربیت شهروندی، اولویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، دوره ۱۶ شماره ۲.
- گدینز، آنتونی ( ۱۳۷۷ ) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسنی، تهران نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی(۱۳۶۷) : جامعه شناسی ، ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی،.
- لطف آبادی، حسین و نوروزی، وحیده ( ۱۳۸۳ ). بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی ایران نامه جهانی شدت و تاثیرات آن بر ارزش ها و هدایت دینی و ملی آنان، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۴.
- محمدی، مجید(۱۳۷۸) جامعه مدنی ایرانی. نشر مرکز.
- Arture Jemes.(2001) citizenship Through secondary history. University couege.
- Branson, Margaret stimmann(1998) The Role of civic Education, <http://www.civic.org>
- Clair,H.(2004) Teaching citizenship in primary school, Exrtere:learning matters.
- COUNCIL FOR CULTURAL CO-OPERATION (CDCC)(2000)PROJECT ON “EDUCATION FOR DEMOCRATICCITIZENSHIP”Education for DemocraticCitizenship:A Lifelong Learning Perspective Strasbourg, 20 June
- Dee.Thomas S.(2004). Are there civic return to education ? international journal Educational research.vol.88,no.9-10.





- Farrer, F.(2000)A Quiet Revolution: encouraging practice values in our children,London,Rider Book.
- Foulks,keith(2000).Citizenship.new yourk: published by Routledge.
- Halstead J mark.mark A.pike(2006). Citizensheap and moral ducation.routledge.
- Jeffs, T. and Smith, M. K. (1996, 2005) *Informal Education. Conversation, democracy and learning* Ticknall: Education Now
- Liu,Mhihi(2001).the development of civic values: case study of Taiwan.International journal of Educational Research.vol.35,no.10.
- Losito,Bruno and Annamaria D Apice(2003)democracy,citizenship participation. The Results of the second Iea civice education study in italy. International Journal of educational research.vol.39,no6.
- Mc evan,Cheryl(2003). Bringing Government to the people: Woman ,local governance and community participation in sout Africa. International journal of educational research. Vol.34,no.4.
- Minkler, john(1998). Active citizenship. Empowerering Americas youth. in [www.freson.edu](http://www.freson.edu).
- Osler A.and Starkey, H.(2004)Changing citizenship\_democracy and inclusion in education, Buckingham: open university press.
- Patrick, John J.(2000)The Concept of Citizenship in Education for Democracy. ERIC Digest.
- Prior,W(2000),The Astralian experience of preparing schools communities for citizenship education.paper presentated at slo international conference. the nether land.
- Sears Alan and Yvonne Hebert(2005).citizenship education.Canadian Education Association. In [www.cea-ace.ca/citizenship\\_education](http://www.cea-ace.ca/citizenship_education).
- Summers,Jacqeline Y.(2002).AProposal Model for Anchorage Adoult civic education.master of Education Thesis.
- Taylor,M.J and Johnson.(2003)school concils: their role in citizenship and personal and social education., Sloug:nfer.
- Veldhnis,Ruud(1998) The art of teaching democracy,the theory, <http://www.civnen.org>